



تغییرات هیستوپاتولوژیک بافت نای در موش های صحرایی نژاد ویستار متعاقب تجویز خوراکی ژرانیول

محمدحسن آقاجانی خواه^{۱*}، سید محمد حسینی^۲، لیلا بیگم حجازیان^۳

۱. گروه دامپزشکی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۲. گروه پاتوبیولوژی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۳. گروه آناتومی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

aghajani_h71@yahoo.com

مقدمه: ترکیبات آنتی اکسیدانی موجود در عصاره برخی گیاهان گزینه های مناسبی برای حفاظت در برابر مسمومیت ناشی از اینگونه مواد هستند. ژرانیول یک مونوترپن است که در گیاه گل محمدی فراوان یافت می شود. طبق گزارش های علمی معتبر ژرانیول دارای خواص آنتی اکسیدانی قوی علیه عوامل پاتوژن انسانی می باشد. با توجه به اینکه در سال های اخیر استفاده از فراورده های گیاهی در ممانعت از عوامل بیماریزا به طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است در این پژوهش علمی به ارزشیابی و تحقیق در خصوص اثرات احتمالی ژرانیول بر بافت نای در موش صحرایی می پردازیم. روش کار: در این مطالعه از ۳۰ سر موش صحرایی نر بالغ نژاد ویستار ۱۲-۱۰ هفته ای استفاده شد. حیوانات به ۳ گروه کنترل (ماده خاصی دریافت نکرد)، گروه شام (تحت درمان با نرمال سالین) و گروه ژرانیول (تحت درمان با دوز ۱۰۰ kg/mg) تقسیم شدند. گروه کنترل و ژرانیول تحت گاوژ به صورت روزانه به مدت ۴ هفته قرار گرفتند. حیوانات در پایان روز ۲۸ توسط ترکیبی از داروی کتامین-زایلازین بی هوش گردیده و پس از کالبدگشایی بافت نای جدا گردیده و سپس نمونه های بافتی درون ظروف نمونه برداری پاتولوژی محتوی محلول فرمالین بافر ۱۰٪ تثبیت و مراحل پاساژ بافتی انجام شد. لام های آماده شده به روش هماتوکسیلین-ئوتوزین رنگ آمیزی و با میکروسکوپ نوری مورد ارزیابی قرار گرفتند. بحث و نتیجه گیری: در مطالعه حاضر اثرات ناشی از گاوژ ژرانیول بر روی بافت نای مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج به دست آمده هیچگونه تغییر و آسیب هیستوپاتولوژی را در گروه دریافت کننده این ماده موثره نشان نداد؛ به نظر می رسد ژرانیول به طور قابل توجهی آسیب پاتولوژیک بافت نای را کاهش می دهد و می تواند به عنوان یک ترکیب گیاهی برای بهبود عملکرد سیستم تنفسی در مناطق پرخطر مورد استفاده قرار گیرد. کلمات کلیدی: ژرانیول، آنتی اکسیدان، نای، موش صحرایی

مطالعه تاثیر تجویز تزریقی عصاره الکی گیاه بابونه بر ایمینزایی در برهه های نوزاد

حسام اشعریون^۱، حمیدرضا محمدی^۲، محمدرضا مخبردزفولی^۳، سعید منتظری شاتوری^۴

۱: گروه علوم درمانگاهی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز

۲: گروه علوم درمانگاهی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه سمنان

۳: گروه علوم درمانگاهی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران

۴: دانشجوی مقطع دکتری حرفه ای دامپزشکی، دانشگاه سمنان

در این مطالعه، تاثیر تجویز عصاره بابونه بر جذب ایمونوگلوبولین G آغاز در برهه های نوزاد مورد بررسی قرار گرفت. گیاه بابونه، از ترکیبات استروئیدی غنی بوده و فرضیه این پژوهش این است که این ترکیبات استروئیدی با اثر بر انتروسیتهای روده، از پدیده بسته شدن رودهها جلوگیری کرده و جذب ایمونوگلوبولینهای آغاز را افزایش میدهند. در این پژوهش، تجویز عصاره بصورت تزریق داخل وریدی در دستور کار قرار گرفت. بدین منظور، عصاره اتانولی قابل تزریق گیاه بابونه با غلظت ۲۵ میلیگرم بر میلیلیتر تهیه شد. ۲۰ راس بره به ظاهر سالم در ۴ گروه به طور کاملاً تصادفی قرار گرفتند: ۱) تجویز عصاره بابونه به مقدار کم (تیمار یک: ۵/۵ میلیگرم به ازای هر کیلوگرم وزن دام)، ۲) تجویز عصاره بابونه به مقدار متوسط (تیمار دو: ۱۱ میلیگرم به ازای هر کیلوگرم وزن دام)، ۳) تجویز عصاره بابونه به مقدار بالا (تیمار سه: ۲۲ میلیگرم به ازای کیلوگرم وزن دام) و ۴) گروه شاهد (تجویز دو سیسی نرمال سالین)، درمانها نیم ساعت پس از تولد برهها انجام شد. عصاره بابونه به شکل آهسته داخل وریدی (ورید وداج) قبل از خوردن آغاز تزریق گردید. اختلاف معنی داری در غلظت IgG سرم بره های تیمار سه و شاهد در ساعت ۴۸ مشاهده نشد (P=0/865). بره های تیمار یک و تیمار دو، افزایش معنی داری را در ساعت ۱۸ در مقایسه با بره های تیمار سه و شاهد نشان دادند (به ترتیب تیمار یک و تیمار سه، تیمار یک و شاهد، تیمار دو و تیمار سه و شاهد. تفاوت بین بره های تیمار یک و تیمار دو در ساعت ۱۸ و ۴۸ معنی داری نبود. نتایج حاصل نشان داد که استفاده از عصاره بابونه در دزهای ۵/۵ و ۱۱ میلیگرم به ازای هر کیلوگرم وزن بدن، تاثیری معنی دار در جذب ایمونوگلوبولینهای آغاز داشته است. کلمات کلیدی: عصاره الکی گیاه بابونه، بره های تازه زاء، جذب IgG، آغاز.